**فقه، جلسه 72: 26/11/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

من یک مسأله‌ای را سابق خیلی سریع ازش گذشتم، به تصور این‌که این مسأله بحث ندارد. مسألة عدة متمتع بهایی که حامل باشد. بعد مراجعه کردم دیدم که این نیاز به بحث دارد، یک مقداری هم بین کلمات علمای معاصر متفاوت هست. این است که ابتدا کلمات علما را می‌خوانم بعد یک مقداری در موردش بحث می‌کنم، بحث دارد و بعداً بحث‌هایی را که دیروز شروع کردیم را بعداً ادامه می‌دهیم. مرحوم آقای حکیم در بحث عقد متعه دارند: «(مسألة 1) تعتد الحائل بعد الأجل بحيضتين كاملتين و لا يكفي فيهما المسمى أو في إحداهما فإن كانت في سن من تحيض و لا تحيض فبخمسة و أربعين يوما و في الموت بأربعة أشهر و عشرة أيام ان كانت حرة» اینهایش را کار نداریم، این تکة مورد بحث ما این است «و تعتد الحامل بأبعد الأجلين من المدة و وضع الحمل ان كان الاعتداد للوفاة؛ و ان كان لغيرها فالظاهر ان عدتها وضع الحمل و ان كان الأحوط انتظار أبعد الأجلين منه و من المدة.»

که ایشان فرقی نگذاشتند بین این‌که عده، عدة وفات باشد یا عدة غیر وفات باشد، فرق گذاشتند بین جایی که عده، عدة وفات باشد که ابعد الاجلین را فتوا دادند، و عدة غیر وفات را وضع الحمل. خب این عبارت مرحوم آقای حکیم است.

مرحوم آقای خویی اینجا احتیاط کردند و عبارتشان این است: «و تعتد الحامل بأبعد الأجلين من المدة و وضع الحمل إن كان الاعتداد للوفاة، بل لغيرها أيضا على الأحوط.»

این احتیاط را ایشان دارند. در مسائل منتخبه هم همین احتیاط را تکرار کردند با عبارت مسائل منتخبه این هست. البته عبارت هم مسائل منتخبه در ذیل عدة طلاق هست.

می‌گویند: «(مسألة 1087): عدة المتمتع بها إذا كانت بالغة مدخولا بها غير يائسة حيضتان كاملتان، و إن كانت لا تحيض لمرض و نحوه فعدتها خمسة و أربعون يوما، و عدة الحامل المتمتع بها أبعد الأجلين من وضع حملها، و من مضي خمسة و أربعين يوما على الأحوط.»

مراد از این عدة الحامل المتمتع بها خصوص صورت عدة غیر وفات هست که علی الاحوط ایشان تعبیر می‌کنند. اما در مورد عدة وفات بعدش در: «(مسألة 1089): إذا توفى الزوج وجبت على زوجته العدة مهما كان عمر الزوجة. فتعتد الصغيرة و البالغة و اليائسة على السواء، من دون فرق بين الزوجة المنقطعة، و الدائمة، و المدخول بها، و غيرها. و يختلف مقدار العدة تبعا لوجود الحمل و عدمه، فإذا لم تكن الزوجة حاملا اعتدت أربعة أشهر و عشرة أيام، و إذا كانت حاملا كانت عدتها أبعد الأجلين من هذا المدة و وضع الحمل»

این دو تا عبارت را کنار بگذاریم، مراد از آن عدة الحامل المتمتع بها روشن می‌شود.

این هم عبارت آقای خویی. این عبارت آقای خویی را مرحوم آقای تبریزی و مرحوم آقای روحانی هم در مسائل منتخبه‌شان عین همین عبارت‌ها را آوردند و مسأله را با احتیاط گذشتند. ولی بعضی از آقایان دیگر این را نپذیرفتند، من جمله آقای سیستانی. آقای سیستانی آن جایی که آقای خویی احتیاط کرده بودند در مورد عدة الحامل متمتع بها، ایشان دارند «عدة الحامل المتمتع بها وضع حملها.» به این تعبیر، تعبیر کردند. این مراد از «عدة الحامل المتمتع بها وضع حملها» مراد خصوص صورت غیر وفات هست. چون در مورد وفات همان مسأله‌ای که آقای خویی داشتند که ابعد الاجلین، ایشان این را دارند، عین همان مسألة ۱۰۹۳ اینجا عین همان دارند. البته این عبارت مسائل منتخبه، این دو تا مسأله کنار هم واضح می‌شود ولی در منهاج الصالحین. بله منهاج الصالحین هم همین هست. که «مسألة 574: عدّة المتمتع بها في الحامل مدة حملها‌» که عرض کردم مراد خصوص غیر عدة وفات است. چون‌که عدة وفات چیز کردند که بین دائمه و متمتع بها فرقی نیست و همان عبارتی که آقای خویی آنجا در مسائل منتخبه داشتند، اینجا در عدة وفات ایشان دارند و عبارت را آوردند.

آقای آسید محمد سعید حکیم اینجا یک مقداری عبارتشان متفاوت با عبارت آقای خویی است، احتیاط می‌کنند ولی احتیاطشان با احتیاط آقای خویی تفاوت دارد به خاطر یک تفاوت‌های مبنایی که در بعضی مسائل دیگر ایشان با آقای خویی و اینها دارند. حالا من عبارت را می‌خوانم. ایشان دارند «(مسألة 78): الأحوط وجوبا في المتمتع بها إذا كانت حاملا» حالا این نکته را هم عرض بکنم، آقای خویی که در منهاج الصالحین احتیاط کرده بودند که در مورد حامل در غیر وفات به ابعد الاجلین، آقای وحید در حاشیه دارند استحباباً. بنابراین آقای وحید هم مثل آقای سیستانی و آقای حکیم، مرحوم محسن حکیم عده را به همان وضع حمل می‌دانند ولی استحباباً می‌گویند ابعد الاجلین را مراعات کنند.

آقای آسید محمد سعید حکیم اینجا احتیاط، البته احتیاط استحبابی آقای وحید دارند. اما آقای آسید محمد سعید حکیم احتیاط وجوبی دارند، می‌فرمایند: «(مسألة 78): الأحوط وجوبا في المتمتع بها إذا كانت حاملا أن تعتد بأبعد الأجلين من وضع الحمل و عدتها إذا لم تكن حاملا.» در این منهاج الصالحین آسید محمد سعید حکیم، جلد ۳، صفحة ۸۹ این عبارت هست. آن عبارت آقای خویی هم در مبانی منهاج الصالحین حاج آقا تقی قمی، این چاپی که دست من هست جلد ۱۰، صفحة ۱۰۷ و ۱۰۸ هست. دیگر من بقیه را، منهاج الصالحین که مال آقای سیستانی، جلد ۳، صفحة ۱۷۴ و ۱۷۵ هست. مسائل منتخبة آقای سیستانی، صفحة ۴۲۱، مسألة ۱۰۹۱ و ۱۰۹۳ این دو تا مسأله‌اش هست. مال آقای خویی هم صفحة ۳۲۳، مسألة ۱۰۸۷ و ۱۰۸۹ این دو تا مسأله‌اش هست. و مال آقای حکیم هم آدرسش را عرض کنم. آقای حکیم هم جلد ۲، صفحة ۲۸۹ هست. و مال آسید محسن حکیم. اما مال آسید محمد سعید حکیم در جلد ۲، صفحة ۸۹ دارند، مسألة ۷۸. «(مسألة 78): الأحوط وجوبا في المتمتع بها إذا كانت حاملا أن تعتد بأبعد الأجلين من وضع الحمل و عدتها إذا لم تكن حاملا.»

حالا «عدتها إذا لم تكن حاملا» را، این آقای خویی بین وضع حمل و ۴۵ روز، ابعد الاجلین تعبیر کرده، ایشان «عدتها إذا لم تكن حاملا». «عدتها إذا لم تكن حاملا» را اگر بخواهیم مشخص بشود ایشان یک مقداری فتواهایشان تفاوت دارد با فتواهای آقایان دیگر. در مسألة ۶۵ دارد: «(مسألة 65): عدة المتمتع بها التي تحيض طهران، فإن خرجت عن الزوجية- بانتهاء المدة أو هبتها- في طهر» صفحة ۸۶، مسألة ۶۵ است «(مسألة 65): عدة المتمتع بها التي تحيض طهران، فإن خرجت عن الزوجية- بانتهاء المدة أو هبتها- في طهر كان عليها إكماله و إكماله الطهر الثاني فتخرج عن العدة بالحيضة الثانية، و إن خرجت عنها في آخر الطهر أو في أثناء الحيض كان عليها إكمال طهرين، فتخرج عن العدة بالثالثة.» این یک مسأله.

صفحة ۸۷، «(مسألة 67): عدة المتمتع بها إذا كانت مسترابة شهر و نصف.» این هم اینجور.

بعد مسألة ۷۰ هم «(مسألة 70): من كانت عدتها طهرين أو شهرا و نصفا- كالمتمتع بها و الأمة المطلقة- إذا كانت تحيض كل ثلاثة أشهر أو أكثر أو أقل فالظاهر أن عدتها طهران، و لا تعتد بشهر و نصف أبيض لو سبق لها قبل إكمال الطهرين.»

این فتواهایی که آقای آسید محمد سعید حکیم دارند که خب خیلی با فتوای آقای خویی در این زمینه تفاوت می‌کند و ملاک ۴۵ روز در هیچ جایش نیست. بعضی موارد یک ماه و نیم است، بعضی مواردش طهرین هست و این خب خیلی فرق می‌کند. و حسابی در کلام آقای آسید محمد سعید حکیم احتیاط خیلی زیادی باید رعایت بشود.

حالا اصل مسأله را ببینیم چجوری باید مسأله را دنبال بکنیم. ما در مورد، یک بحث در مورد حامله هست که در عدة غیر وفات، یک بحث در مورد حامله در عدة وفات هست. اوّل عدة غیر وفات را صحبت می‌کنیم، بعد عدة وفات را. در مورد عدة غیر وفات ما هیچ، غیر وفات. آیة شریفه «**أُولاتُ اْلأَحْمالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ**» این آیة شریفه با توجه به قبل و بعدش که در سیاق عدة طلاق به کار رفتند و اینها، به نظر می‌رسد که اطلاقش نسبت به اولات الاحمال در غیر طلاق مشکل هست، بر خلاف اهل تسنن که در عدة وفات به این آیه تمسک کردند، به نظر می‌رسد این آیه مربوط به عدة طلاق باشد و ربطی به عدة وفات نداشته باشد. و همچنین سایر عدد، عدة متعه و عدة فسخ و انفساخ و سایر چیزها را ما از این نتوانیم حکمش را استفاده کنیم.

ولی مرحوم حاج آقا تقی قمی به این آیه تمسک می‌کنند، با انضمام یک نکتة ضمیمة دیگر. آن نکتة ضمیمه این هست که، این تعبیرشان این هست. آیة شریفه را می‌‌آورند، می‌گویند از این آیه استفاده می‌شود

«المستفاد من قوله تعالی «وَ اللّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ»» تا آخر آیه را ذکر می‌کنند.

«ان عدة المطلقة وضع حملها اذا كانت حاملا و بعيد أن تكون عدة المتعة اكثر من عدة الطلاق فالنتيجة ان عدتها وضع حملها، و الاحتياط طريق النجاة.»

خب این تعبیر ایشان با استبعاد، کأن عرف اینجور تعبیر بکنیم که بگوییم عرف متعارف عدة طلاق را که می‌بیند با وضع حمل هست از آن تعدی می‌کند، عدة چیز را هم به همین عده خواهد دانست.

حالا من به یک تعبیر دیگر می‌خواهم همین تعبیر را بیان کنم. آن این است که من مراجعه کردم ببینم هیچ روایتی داریم که بشود به آن روایت تمسک کرد در مورد این‌که وضع حمل در مورد متعه وضع حمل هست. همة روایات، روایاتی بودند که همراه با طلاق بودند. تمام روایات همراه با طلاق بودند، تنها دو تا روایت بود که ممکن بود از این دو تا روایت کسی این استفاده را بکند که عدة طلاق در حامل هم همان وضع حمل هست. آن دو تاروایت یکی روایت، این دو تا روایت در باب، ابواب العدد، باب ۸، روایت ۱۴ و ۱۵ باب هست. ۴۰۵۴۷ و ۴۰۵۴۸. صفحة ۲۳۸، جلد ۲۷ جامع احادیث.

یکی صحیحة عبد الله بن سنان هست «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ‏ عَنِ‏ الْمَرْأَةِ تَضَعُ‏ أَ يَحِلُّ أَنْ تَتَزَوَّجُ قَبْلَ أَنْ تَطْهُرَ قَالَ نَعَمْ وَ لَيْسَ لِزَوْجِهَا أَنْ يَدْخُلَ بِهَا حَتَّى تَطْهُرَ.» این یکی.

یک روایت دیگری محمد بن احمد بن یحیی باسناده عن عبد الله بن سنان و محمد بن حسن الصفار عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ وَ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام‏ فِي‏ الْمَرْأَةِ تَضَعُ‏ أَ يَحِلُّ لَهَا أَنْ تتَزَوَّجَ قَبْلَ أَنْ تَطْهُرَ قَالَ علیه السلام إِذَا وَضَعَتْ تَزَوَّجَتْ وَ لَيْسَ لِزَوْجِهَا أَنْ يَدْخُلَ بِهَا حَتَّى تَطْهُرَ.

خب اینها بگوییم که اینها توش نخوابیده که این عده‌اش، این مرئه، فرض کرده که این مرئه عده داشته و بگوییم این اطلاقش متمتع بها را هم شامل می‌شود. ولی به نظر می‌رسد مطلب چنین نیست، بحث این است، فرض این مسأله زنی هست که عده‌اش به وضع حمل است. صحبت سر این هست که المرئة التی عدتها بوضع الحمل، خود وضع حمل کافی است یا وضع حمل با متعلقاتش و توابعش باید باشد که آن طهارت از خون نفاس. پس این‌که عده‌اش به وضع حمل است مفروغ عنه است، اما این‌که کجا عده‌اش به وضع حمل است مفروغ عنه است. اما این‌که کجا عده‌اش به وضع است، کجا عده‌اش به وضع حمل نیست، در مقام بیان این نیست. فرض این است که این عده‌اش به وضع حمل است ولی می‌خواهد بگوید آن که عده‌اش به وضع حمل است مراد از وضع حمل، وضع حمل معنای واقعی‌اش است یا وضع حمل بر توابعش که پاک شدن از خون نفاس هست که امام علیه السلام می‌فرمایند برای جواز تزویج لازم نیست از خون نفاس پاک بشود، ولی برای مباشرت و دخول باید از خون نفاس پاک بشود و این دو تا حکم با همدیگر فرق دارد. بنابراین از این روایت نمی‌شود استفاده کرد حکم متمتع بها را.

خب حکم متمتع بها حامل را از کجا؟ به نظر می‌رسد که اینجاها در مورد روایات هیچ توضیحی داده نشده که متمتع بها حامل حکمش چه حکمی هست. و این را، اوّلاً اطلاقات ادله‌ای که متمتع بها را گفته ۴۵ روز امثال اینها، به نظر می‌رسد که آن اطلاقات شامل حامل نمی‌شود. آنها ناظر به موارد غیر حامل هست، کما این‌که در مورد مثلاً عدة وفات ما روایتی داریم، این روایت را ملاحظه بفرمایید، روایت‌های زیادی که در عدة وفات گفته عدة وفات ۴ ماه و ۱۰ روز است. این مراد حامل نیست. حامل ابعد الاجلین هست. روایت‌های دیگر تصریح می‌کند. اینها ۴ ماه و ۱۰ روز ناظر به همان عدة، موارد متعارف غیر حامل است. یعنی وفات بما انه وفات، وفات به تنهایی. این هم، این ناظر به صورت حاملش نیست که حامل چه حکمی دارد و امثال اینها. این است که به نظر می‌رسد که آن روایات ۴ ماه و ۱۰ روز حیضتان، حیضه، امثال اینها، اینها هیچ کدامشان ناظر به صورت حامل نیستند. خب حامل حکمش از کجا به دست می‌آید؟ به نظر می‌رسد به اطلاق مقامی اکتفا شده. یعنی چون عدة طلاق با وضع حمل سپری می‌شود، این هم به منزلة عدة طلاق در نظر گرفته شده و اکتفا شده به بیان حکم عدة طلاق. همان مطلبی که حاج آقا تقی قمی می‌فرمایند بعید است که از عدة طلاق بیشتر باشد، من با این بیان می‌خواهم عرض بکنم که اگر عده‌اش از عدة طلاق متفاوت باشد شارع مقدس ذکر می‌کرد. این‌که ذکر نکرده، پیداست اکتفا کرده به یک معهودی و آن معهود همین عدة طلاق هست و به نظر می‌رسد که این مطلبی که آقایان فرمودند که عدة تمتع بها حامل وضع حمل هست، مطلب صحیح و درستی هست.

اما در مورد جایی که حامل باشد و عدة وفات. حامل و عدة وفات یک بحث خاص دیگری دارد. آن بحث این است که یک روایتی ما داریم که آن روایت ممکن است ازش استفاده بکنیم که در مورد عدة وفات حامل هم همان وضع حمل کفایت کند. چطور؟ این روایت، روایت صحیحة زراره که ما صحیحه می‌دانیم، که در سندش موسی بن بکر واقع هست که ما روایت علی بن حکم از موسی بن بکر را مربوط به زمان استقامت موسی بن بکر می‌دانیم. بنابر این‌که موسی بن بکر واقفی شده باشد.

به هر حال سند این هست بهذا الاسناد عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: عِدَّةُ الْمُتَوَفَّى‏ عَنْهَا زَوْجُهَا آخِرُ الْأَجَلَيْنِ لِأَنَّ عَلَيْهَا أَنْ تُحِدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً وَ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الطَّلَاقِ أَنْ تُحِدَّ.

می‌گوید عدة متوفی عنها زوجها آخر الاجلین است. یعنی نسبت به وضع حمل و ۴ ماه و ۱۰ روز، هر کدام دیرتر اتفاق بیفتد آن را باید رعایت کند. لِأَنَّ عَلَيْهَا أَنْ تُحِدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً. تعلیلی که برای آخر الاجلین آورده، می‌گوید لِأَنَّ عَلَيْهَا أَنْ تُحِدَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْراً وَ لَيْسَ عَلَيْهَا فِي الطَّلَاقِ أَنْ تُحِدَّ. این تعلیل اقتضاء می‌کند که در بحث، ما در مورد، این متمتع بها ببینیم متمتع بها حداد برش واجب هست یا حداد برش واجب نیست. یک مبنا این هست که حداد بر متمتع بها مطلقا واجب نیست. یک مبنا تفصیل بین صورتی که یکی دو روز ۲۷:۲۲ باشد یا متعدد باشد. خب یک روایتی ما داشتیم در بحث حداد که در مورد حداد، همین تفصیل قائل شده بود بین صورتی که بین یکی دو روز و غیر یکی دو روز. حالا اگر کسی به آن روایت فتوا بدهد، ممکن است بگوییم در جایی که اینجا هم باید همین را بگوییم. بگوییم اگر حداد واجب باشد، ابعد الاجلین را ملاحظه بکنیم. اگر حداد واجب نباشد، دیگر وجهی ندارد که ابعد الاجلین را ملاحظه کنید و آن جزء تعلیل آمده که چرا آخر الاجلین را باید ملاحظه کنید؟ به جهت این‌که حداد واجب است. خب این تقریب استدلال. ولی به نظر می‌رسد که یک مقداری باید دقت کرد که این روایت زراره اصلاً مفادش چی است؟ مفهوم این روایت زراره چی است؟ ما قبلاً در مورد این روایت زراره توضیح دادیم. این روایت زراره در مقام دفع فتوای کالمجمع علیه عامه است. عامه تقریباً اجماعی است که در عدة وفات وضع حمل کفایت می‌کند. حامل در عدة وفات شوهرش حتی هنوز دفنش هم نکردند، و ان کان بعده علی المغتسل، یک چنین تعبیری هم در کلماتشان هست که، ولی این وضع حمل که بکند این عده‌اش سپری می‌شود. در این روایت امام علیه السلام به نظر می‌رسد در مقام پاسخ به این مطلب که این مطلبی که شما می‌گویید در طلاق درست است. ولی در وفات درست نیست. در طلاق همان اقرب الاجلین ملاک هست که وضع حمل است. در وفات ابعد الاجلین باید ملاحظه بشود. به دلیل این‌که نکته‌ای در بحث وفات هست، وفات چرا زنی که حامله نیست باید ۴ ماه و ۱۰ روز عده نگه دارد؟ به خاطر این‌که شارع مقدس واجب کرده برایش حداد و سوگواری بر شوهرش را ۴ ماه و ۱۰ روز برایش سوگواری لازم کرده. خب حالا چون حامله شده شوهرش این سوگواری بر شوهر دیگر از بین می‌رود؟ آن ملاکی که در مورد غیر حامله وجود دارد، در مورد حامله هم وجود دارد. بنابراین همان ۴ ماه و ۱۰ روزی که در حق غیر حامله باعث می‌شده که غیر حامله حداد نگه دارد، باعث می‌شود حامله هم ۴ ماه و ۱۰ روز باید حداد نگه دارد، پس به مجرد وضع حمل از عده بیرون نمی‌آید بلکه باید ۴ ماه و ۱۰ روز عده نگه دارد، حالا اگر حامله بودنش قبل از آن سپری شده باشد ۴ ماه و ۱۰ روز عده‌اش تمام می‌شود. اگر حامله بودنش هنوز باقی باشد بعد از این دیگر حداد لازم نیست ولی بعد از این باید صبر کند وضع حمل سپری بشود. این مقداری که وضع حمل باید سپری بشود متفق علیه هست. آن که این روایت رویش می‌خواهد تکیه کند این است که ۴ ماه و ۱۰ روز را حتماً باید عده‌اش را ببیند. چون ملاکی که برای غیر حامل باعث می‌شود ۴ ماه و ۱۰ روز را عده نگه دارد که قرار است ۴ ماه و ۱۰ روز بر شوهرش سوگواری کند، آن ملاک در مورد حامل هم هست. به خلاف مطلقه. مطلقه نکته‌ای که در مورد عدة غیر حاملش هست، چون عدة غیر حامل نمی‌دانیم حامله هست یا حامله نیست، سه تا حیض یا سه ماه عده نگه می‌دارد برای این‌که وضعیت حملش و عدم حملش مشخص بشود. این نکته اصلاً در مورد حامله نیست. یعنی نکته‌ای که باعث عده برای غیر حامله بوده، این نکته در مورد حامله نیست. در مورد حامله تنها نکته‌ای که وجود دارد حامله بودن است. خود حامله بودن هم احترام بچه اقتضا می‌کند در این ایام ازدواج صورت نگیرد. خب وضع حمل که شد عده‌اش هم سپری می‌شود دیگر. بنابراین اینجا، نکته‌ای ندارد در مورد طلاق که بعد از وضع حمل دوباره آن سه ماه یا سه قرء این زن عده ببیند. این به نظر می‌رسد روایت به این نکته ناظر هست. حالا با توجه به این تفسیری روایت را کردیم، روشن می‌شود که از این روایت اتفاقاً همان ابعد الاجلین استفاده می‌شود. بر خلاف تصور که این روایت حکم مسأله را دائر مدار حداد قرار می‌دهد نه. آن نکته‌ای که این روایت به آن تکیه کرده. این روایت اصلش مقایسة بین عدة وفات و عدة طلاق است، در مورد حامل. ولی نکته‌ای که این روایت روی آن تکیه کرده، نکته‌ای هست که در ما نحن فیه هم اقتضای ابعد الاجلین می‌کند. چون ما در بحث متمتع بها ولو حداد لازم نیست، متمتع لازم نیست بر شوهرش، اگر هم قائل به این بشویم که اصلاً لازم نیست، یا در جایی که کم باشد که دیگر مسلم است که حداد لازم نیست. هیچ وجهی برای لزوم حداد در آنجایی که کم باشد اصلاً نیست. ولو حداد لازم نیست ولی خود روایات تصریح می‌کنند بر این‌که عدة ۴ ماه و ۱۰ روز لازم است. خب بحث این است که این عدة ۴ ماه و ۱۰ روزی که برای غیر حامل لازم است، نکته‌اش چی است؟ احترام شوهر است. ولو به احترام شوهر اینجا حداد را نیاوردند. نفس عده یک احترام است. عدة همراه با حداد احترام بیشتر است. شارع مقدس در باب ازدواج دائم نسبت به شوهرش یک احترام بیشتری را لازم کرده. ولی اصل عده به عنوان حرمت شوهر و احترام میت است. این احترام میت فرقی ندارد بین این‌که زن حامله باشد یا زن حامله نباشد. آن نکته‌ای که در آن روایت بهش تعلیل شده، آن این هست که ملاک عده در غیر حامل در بحث وفات در حامل هم وجود دارد. عین این نکته در ما نحن فیه هست که ملاک عده در متمتع بها در غیر وفات، در وفات هم موجود هست. بنابراین نتیجه این می‌شود که متمتع بهایی که وفات، شوهرش وفات کرده باشد باید به ابعد الاجلین عده نگه دارد. غیر متمتع بها همان وضع حمل به نظر می‌رسد کافی هست. مثل فتوایی که آقایان خیلی‌هایشان دارند که، البته من کلمات بزرگان سلف را مراجعه نکردم ببینم این احتیاطی که آقای خویی اینجا مطرح کردند به نحو احتیاط وجوبی، و آقای حکیم به نحو احتیاط استحبابی آیا فتوای بر خلاف هم دارد، کسی این فتوا داده، نداده، فقط کلمات علمای معاصر را مراجعه کردم. در کلمات دیگران ندیدم که این مسأله را عنوان کرده باشند. ولی به هر حال به نظر می‌رسد این فتوایی که مرحوم آقای حکیم دارند و اینها فتوای درستی هست و مناسب است. خب البته احتیاط استحبابی رعایت کردنش جا دارد و اشکالی ندارد احتیاط استحبابی، ولی این‌که این واجب باشد مسأله چنین نیست. بعضی بحث‌های گذشته هم نیاز به یک مکمل‌هایی دارد که ان شاءالله مکمل‌هایش را بعداً عرض خواهم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان